

رابطه هوش معنوی با راهبردهای برخورد با تعارضات زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل شهر تهران

فرشته علیدادی طائمه^۱

کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی

مرجان جعفری روشن

استادیار روانشناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی

حمیدرضا اسماعیل پورمقدم

کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، باشگاه پژوهشگران

جوان و نخبگان

پذیرش: ۹۱/۹/۱۸

دریافت: ۹۱/۵/۲۱

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی رابطه هوش معنوی با راهبردهای برخورد با تعارضات و رضایتمندی زناشویی در جامعه آماری دانشجویان متأهل شهر تهران می‌باشد.

روش: برای انجام تحقیق حاضر نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر از ۵ دانشگاه با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. از پرسشنامه‌های هوش معنوی ناصری، رضایتمندی زناشویی انریچ و راهبردهای حل تعارضات اشتراوس برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد. داده‌های به‌دست آمده توسط آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان داد بین هوش معنوی و رضایتمندی زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بین هوش معنوی با

راهبردهای غفلت، خروج، سوءرفتار همبستگی منفی معنادار و نیز بین راهبرد کلامی و گذشت همبستگی مثبت معنادار وجود دارد و همچنین، بین رضایتمندی زناشویی و راهبردهای غفلت، خروج، سوءرفتار همبستگی منفی معنادار وجود داشت و بین راهبردهای کلامی همسران (غالباً مردان) با رضایت زناشویی همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مؤلفه‌های غفلت خود (به صورتی منفی)، شکیبایی، خودآگاهی، راهبرد کلامی همسر و خروج خود (به صورتی منفی) قادر به پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی می‌باشند.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها همبستگی هوش معنوی را با رضایتمندی زناشویی و راهبردهای حل تعارضات زناشویی مورد تأیید قرار دادند، به طوری که این یافته‌ها می‌توانند زمینه‌ساز پژوهش‌های آزمایشی باشند و سپس بر آموزش‌های خانواده و سلامت روان آنان اثرگذار باشند.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، راهبردهای حل تعارضات، رضایتمندی زناشویی.

مقدمه

رضایتمندی زناشویی^۱ در بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد (کامینگ^۲ و همکاران، ۱۹۹۷). برای رضایتمندی زناشویی تعریف‌های مختلفی ارائه شده است، از جمله اینکه بک^۳ (۱۳۸۰) بیان داشته است که رضایتمندی زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی دارند. انریچ^۴ (۱۹۹۸) روابط جنسی^۵، مسائل مالی، فرزندان، مذهب، حل تعارض، اوقات فراغت، اقوام و دوستان را به‌عنوان ابعاد رضایتمندی زناشویی بیان می‌کند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کیفیت‌های عاطفی و هیجانی همسران همچون توانایی خودآگاهی، خویش‌داری و برخی تفکرات و نگرش‌ها و طرز تلقی‌های غیرمنطقی با مسائل و مشکلات روان‌شناختی و شخصیتی مربوط به هر یک از زوجین در کنار عوامل متعدد دیگری همچون (عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی) اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آن‌ها می‌گذارد و این معضلات احساس رضایت را در آنان کاهش می‌دهد. از این رو ضرورت دارد برای بهبود روابط زوجین این عوامل مورد بررسی قرار گیرد.

ما در این پژوهش از میان عوامل متعددی که در رضایتمندی زناشویی تأثیر دارند، به بررسی رابطه هوش معنوی^۶ (ناصری، ۱۳۸۸) و راهبردهای حل تعارضات (دیباجی فروشانی، ۱۳۸۷)، با رضایتمندی می‌پردازیم.

یکی از عوامل بسیار مهم در رضایتمندی زناشویی باورهای معنوی^۷ و مذهبی است. ماهونی^۸ و همکاران (۱۹۹۹) دریافته‌اند هنگامی که همسران به روابط خود جنبه مقدس^۹ می‌دهند،

1. Marital Satisfaction
2. Coming
3. Beck
4. Enrich
5. Sexual Relations
6. Spiritual Intelligence
7. Spiritual Beliefs
8. Mahooni
9. The Sacred

رضایت زناشویی بیشتر و تعارضات کمتری دارند و بهتر می‌توانند مشکلات خود را حل و فصل کنند. امروزه انسان‌ها بیش‌ازپیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند، زیرا پیشرفت علم و پیچیدگی‌های زندگی نوین پاسخگوی نیازهای معنوی آنان نیست، و یکی از راه‌هایی که روانشناسان و روان‌پزشکان برای درمان اختلالات روانی از آن استفاده می‌کنند. مسائل معنوی است (شهیدی و شیرافکن، ۱۳۸۳). امروزه سازمان جهانی بهداشت به بعد معنویت به‌عنوان یک عامل در رشد و تکامل انسان اشاره می‌کند. رشد و تکامل روانی در ایجاد رابطه زناشویی مناسب و رسیدن به رضایتمندی در این رابطه الزامی است؛ بنابراین، گرایش به معنویت پژوهشگران را بر آن داشت تا درباره معنویت و مؤلفه‌های روان‌شناختی تعاریف جدیدی را مطرح کنند که هوش معنوی یکی از آن سازه‌ها است.

از نظر امونز^۱ (۲۰۰۰) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به هدف می‌باشد. از نظر (گاردنر^۲، ۱۹۹۹). هوش معنوی دربرگیرنده مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی^۳ می‌باشد که از منابع معنوی در جهت افزایش بهزیستی^۴ و انطباق‌پذیری^۵ استفاده می‌کند و رفتار انطباقی احتمال به وجود آمدن اهداف رقابت طلبانه را که موجب ایجاد تعارض می‌شود، به حداقل می‌رساند. با توجه به این دیدگاه، معنویت ممکن است به‌صورت یک اصطلاح شناختی - انگیزشی^۶ مفهوم‌سازی شود که بیانگر مجموعه‌ای از مهارت‌های انطباقی^۷ و منابعی باشد که فرایند حل مسئله (مسائل زناشویی) و دستیابی به هدف را آسان‌تر می‌کند (سیسک^۸، ۲۰۰۲؛ ولمن^۹، ۲۰۰۱). بعضی از توانایی‌ها و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های

1. Emmons
2. Gardner
3. Abilities and Potentials
4. Well-Being
5. Adaptability
6. Cognitive-motivational terms
7. Adoptive Skills
8. Sisk
9. Wolman

هوش معنوی از قبیل شکیبایی^۱، خودآگاهی^۲، تجربه معنوی^۳ و بخشش^۴ (سیسک و تورنس^۵، ۲۰۰۱؛ زوهر^۶ و دریک^۷، ۲۰۰۰) می‌توانند در ارتباط با دامنه بسیار گسترده‌ای از مشکلات و مسائلی باشند که جدا از موضوعات معنوی وجودی می‌باشد (امونز، ۲۰۰۰). برای مثال، ممکن است از آن‌ها برای مفهوم‌سازی، حل مشکلات ارتباطی، تعارضات زناشویی و ایجاد رضایتمندی زناشویی استفاده شود. غلامی (۱۳۸۸) در تحقیقی نشان داده است که بین هوش معنوی و رضایتمندی زناشویی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. هدف کاربردی ما از این پژوهش این است که بدانیم آیا این احتمال وجود دارد که بتوان رابطه‌ای بین سازه هوش معنوی و نیز حل تعارضات زناشویی با رضایت زناشویی یافت تا بدین ترتیب بتوان زمینه‌ساز ارتقاء رضایت زناشویی شد.

راهبردهای حل تعارض شامل خرده مقیاس‌های (کلامی^۸، غفلت^۹، گذشت^{۱۰}، خروج و سوء رفتار^{۱۱}) می‌شود که از میان آن‌ها به خرده مقیاس کلامی می‌پردازیم.

مهارت‌های ارتباطی^{۱۲} خوب یکی از مهم‌ترین عوامل رضایت و خشنودی از روابط زناشویی است (گاتمن^{۱۳}، ۱۹۹۸). کلی و کلنی^{۱۴} (۱۹۸۷) در پژوهش خود نشان دادند زوج‌هایی که سازگاری بالاتری داشتند، از عبارات محبت‌آمیز و تأییدکننده استفاده می‌کنند.

1. Tolerance
2. Self-awareness
3. Spiritual Experience
4. Forgiveness
5. Torrance
6. Zohar
7. Drake
8. Verbal
9. Neglect
10. Forgiveness
11. Exclusion and Abuse
12. Communication skills
13. Gottman
14. Kelly & Conely

دیو^۱، (۲۰۰۸) در تحقیق خود نشان داده است که آموزش نحوه مذاکره در حل تعارضات رضایت زناشویی زوج‌های جوان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۸۴) دریافتند که بین ارتباط سازنده متقابل و رضایتمندی زناشویی، رابطه معناداری وجود دارد. راهبرد دیگر حل تعارض، عدم غفلت است، اینکه در هنگام نیاز در دسترس همدیگر باشند، خصوصاً وقتی که یکی از طرفین غمگین است و هم‌چنین به سهم کردن همسر در عمیق‌ترین احساسات خود و زنده نگه‌داشتن صمیمیت اطلاق می‌شود (برک^۲، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵).

هنگامی که یکدیگر را می‌بخشند و صبورانه منتظر بهبود اوضاع هستند و ضعف‌های یکدیگر را می‌پذیرند از راهبرد گذشت استفاده می‌کنند. فینچام و برادبوری^۳ (۱۹۸۹) و لوسیر^۴ و همکاران (۱۹۹۳). است در بررسی زوج‌هایی که کیفیت ازدواج پایین‌تری را گزارش کرده‌اند دریافتند که رفتار منفی (سوءرفتار، خروج) طرف مقابل ثابت و بخشی از شخصیت وی است. سوء رفتار به هر نوع رفتار کلامی، جسمی یا جنسی اطلاق می‌شود که باعث آزار طرف مقابل بشود؛ و خروج به هر نوع تصمیم یا تفکری گفته می‌شود که منجر به خاتمه یافتن روابط زوجین گردد. در پژوهشی که توسط هاشمی گلشن‌آبادی (۱۳۸۶) با عنوان رابطه بین راهبردهای حل تعارض با رضایت زناشویی صورت گرفت، نتایج نشان داد که راهبرد غفلت و خروج و بدرفتاری زنان و شوهران با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار دارد. با توجه به مطالب بیان‌شده احتمالاً می‌توان نتیجه گرفت آگاهی پیرامون نحوه برقراری ارتباط صحیح و افزایش توان حل تعارضات می‌تواند از ایجاد تنش‌هایی که منجر به بروز اختلافات زناشویی و یا کاهش میزان رضایتمندی زناشویی شود جلوگیری کند. هدف اصلی در پژوهش حاضر بررسی این است که در ایران و در قشر دانشجویان رابطه بین هوش معنوی و برخورد با تعارضات

1. Dew
2. Brock
3. Fincham&Brodbery
4. Lussier

زناشویی و رضایتمندی زناشویی چگونه است و این سؤال که آیا مؤلفه‌های هوش معنوی و تعارضات زناشویی قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین می‌باشند؟

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه‌های شهر تهران (دانشگاه تهران مرکز، علامه طباطبایی، علوم و تحقیقات، پیام نور و شهید بهشتی) در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بود. از این جامعه نمونه‌ای شامل ۳۰۰ دانشجوی متأهل با توجه به جدول مورگان و کرجسی (وقتی جامعه بزرگ‌تر از پنج هزار نفر باشد) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد.

ابزار پژوهش: پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: پرسشنامه انریچ، یک ابزار ۱۱۵ سؤالی است که در این پژوهش از فرم کوتاه شده آن که ۴۷ آیتم دارد؛ استفاده شده است. این آزمون از ۹ مقیاس تشکیل شده است که شامل ابعاد موضوعات شخصی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی می‌باشد. السن^۱ و دیگران (۱۹۹۸) اعتبار بازآزمایی پرسشنامه را با استفاده از روش ضریب آلفای کرانباخ ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه براساس یک طیف لیکرت است که به هر گزینه از ۱ تا ۵ نمره داده می‌شود. سلیمانان (۱۳۷۳) ضریب آلفای کرانباخ این مقیاس را که بر روی یک گروه ۱۱ نفری اجرا گردید، ۰/۹۵ گزارش داده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این آزمون از طریق آلفای کرانباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

پرسشنامه راهبردهای حل تعارضات: جهت سنجش راهبردهای تعارضات زناشویی از پرسشنامه اشتراوس^۲ (۱۹۹۶) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۵ خرده مقیاس به شرح زیر است: کلامی، غفلت، گذشت، خروج و سوء رفتار. اشتراوس پایایی این مقیاس را به وسیله

1. Elson
2. Straus

ضریب آلفا کرانباخ اندازه‌گیری کرده و بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ می‌باشد. اعتبار همزمان این مقیاس از طریق مقایسه پاسخ‌هایی که زن و شوهرها ارائه داده‌اند، به دست آمده است. همبستگی نمرات زن و شوهرها در دامنه‌ای از ۰/۱۹ تا ۰/۸۰ و با میانگین ۰/۴۰ قرار داشت. در پژوهش دیباجی فروشانی (۱۳۸۷) کمترین و بیشترین ضرایب آلفای کرانباخ خرده مقیاس‌های پرسشنامه راهبردهای حل تعارض به ترتیب برای خرده مقیاس کلامی ۰/۵۷ و برای خرده مقیاس سوء رفتار ۰/۹۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر کمترین و بیشترین ضرایب آلفای کرانباخ خرده مقیاس‌های پرسشنامه راهبردهای حل تعارض به ترتیب برای خرده مقیاس گذشت ۰/۷۰ و برای خرده مقیاس سوء رفتار ۰/۹۲ به دست آمد.

پرسشنامه هوش معنوی: برای هوش معنوی از پرسشنامه هوش معنوی ناصری (۱۳۸۷) که در فرهنگ ایران ساخته شده، استفاده شده است. ناصری (۱۳۸۷) مطرح نموده است که در تدوین پرسشنامه این پرسشنامه برای محاسبه اعتبار درونی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و برای محاسبه اعتبار (همسانی درونی پرسشنامه) از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شده است. نتایج نشان دادند همسانی درونی پرسشنامه نهایی (۹۷ سؤال) برابر با ۰/۹۸ می‌باشد، همچنین این ضریب پایایی چهار خرده مقیاس (خودآگاهی متعالی، تجارب معنوی، شکیبایی و بخشش) به ترتیب برابر با ۰/۹۶، ۰/۹۰، ۰/۸۶ و ۰/۸۳ می‌باشد. اعتبار پرسشنامه هوش معنوی، به معنای همسانی درونی آن در پژوهش حاضر از طریق آلفای کرانباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

اجرای پژوهش حدود ۳ ماه به طول انجامید. ابتدا به پاسخ‌دهندگان اطمینان خاطر داده شد که پاسخ‌های آنان محرمانه خواهد ماند. بیشترین تعداد پرسشنامه‌ها در حضور پژوهشگر پاسخ داده شدند و تعداد کمی به دلیل کمبود وقت پاسخ‌دهنده به آن‌ها سپرده شد تا پس از پاسخگویی، آن‌ها را بازگردانند. در هنگام بازگشت، پرسشنامه‌ها در مقابل افراد بررسی شد و اگر سؤالی بدون پاسخ بود از آنان خواسته شد که دوباره به سؤال موردنظر پاسخ دهند.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مربوط به نمرات متغیرهای رضایتمندی زناشویی و هوش معنوی و خرده آزمون‌های آن محاسبه و نتایج در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر رضایتمندی زناشویی و هوش معنوی

خرده مقیاس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
موضوعات شخصی	۲۵۱	۱۶/۸۸	۴/۹۱
ارتباط زناشویی	۲۵۱	۱۶/۹۸	۴/۸۹
حل تعارض	۲۵۱	۱۶/۷۶	۴/۸۰
مدیریت مالی	۲۵۱	۱۸/۳۶	۴/۱۷
اوقات فراغت	۲۵۱	۱۷/۹۰	۴/۲۴
روابط جنسی	۲۵۱	۱۴/۶۵	۳/۵۶
ازدواج و فرزندان	۲۵۱	۱۳/۳۲	۳/۳۳
اقوام و دوستان	۲۵۱	۱۷/۴۶	۳/۴۵
جهت‌گیری مذهبی	۲۵۱	۱۸/۳۲	۴/۰۸
رضایت زناشویی	۲۵۱	۱۶۳/۷۰	۳۰/۵۶
هوش معنوی	۲۵۱	۱۲/۱۴	۱/۲۲
خودآگاهی متعالی	۲۵۱	۳/۲۷	۰/۳۰
تجارب معنوی	۲۵۱	۳/۰۷	۰/۴۴
شکلیابی	۲۵۱	۲/۷۱	۰/۴۹
بخشش	۲۵۱	۲/۸۹	۰/۵۲

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به راهبردهای حل تعارض

راهبرد تعارض	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
کلامی	خودم	۴/۰۷	۱/۳۹
	همسرم	۳/۷۷	۱/۴۰
غفلت	خودم	۲/۷۷	۱/۳۳
	همسرم	۲/۷۲	۱/۳۶
گذشت	خودم	۳/۵۶	۱/۳۲
	همسرم	۳/۵۳	۱/۳۲
خروج	خودم	۲/۱۱	۱/۴۶
	همسرم	۱/۸۹	۱/۲۷
سوءرفتار	خودم	۱/۴۶	۰/۸۶
	همسرم	۱/۵۴	۱/۰۰

در این پژوهش تعداد ۱۹۶ زن و ۵۵ مرد با میانگین سنی ۳۲/۵۴ سال شرکت داشتند که از این تعداد ۹۸ نفر با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر، ۱۰۲ نفر کارشناسی، ۶ نفر کاردانی و ۵ نفر با مدرک دیپلم شرکت داشتند. در ادامه به بررسی رابطه هریک از متغیرهای پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی برای رابطه نمرات هوش معنوی با رضایتمندی زناشویی

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
خودآگاهی متعالی	۲۵۱	۰/۳۱**	۰/۰۰۱
تجارب معنوی	۲۵۱	۰/۲۷**	۰/۰۰۱
شکلیابی	۲۵۱	۰/۵۵**	۰/۰۰۱
بخشش	۲۵۱	۰/۲۳**	۰/۰۰۱
هوش معنوی	۲۵۱	۰/۴۷**	۰/۰۰۱

**P< ۰/۰۱ *P<۰/۰۵

همچنان که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، بین نمرات هوش معنوی با رضایتمندی زناشویی همبستگی مثبت معنی‌دار ($r=0/47$) وجود دارد. همچنین بین تمامی خرده مقیاس‌های هوش معنوی با رضایتمندی زناشویی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار در سطح کمتر از $0/01$ وجود داشت. بیشترین میزان همبستگی بین خرده مقیاس شکیبایی و رضایتمندی زناشویی ($r=0/55$) و کمترین میزان همبستگی بین خرده مقیاس بخشش و رضایتمندی زناشویی ($r=0/23$) وجود دارد؛ بنابراین بین هوش معنوی و رضایتمندی زناشویی رابطه‌ای مثبت وجود دارد، بدین معنی که افزایش سطوح هوش معنوی، منجر به بهبود و افزایش رضایت زناشویی زوجین می‌شود.

جدول ۴. نتایج ضرایب همبستگی رابطه راهبردهای حل تعارض زوجین (خودم و همسرم) با رضایتمندی زناشویی

متغیرها	خودم	همسرم
کلامی	0/07	0/15**
غفلت	-0/55**	-0/62**
گذشت	-0/02	0/05
خروج	-0/47**	-0/40**
سوء رفتار	-0/25**	-0/28**

** $P<0/01$ * $P<0/05$

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که در رابطه با راهبردهای تعارض خود آزمودنی‌ها بین راهبردهای غفلت، خروج و سوء رفتار با رضایتمندی زناشویی؛ همبستگی منفی معنادار در سطح کمتر از $0/01$ وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی منفی بین راهبرد غفلت با رضایتمندی زناشویی ($r=-0/554$) و کمترین میزان همبستگی منفی بین سوء رفتار با رضایتمندی زناشویی ($r=-0/245$) وجود دارد. در رابطه با راهبردهای تعارض در همسران آزمودنی‌ها بین راهبردهای غفلت، خروج و سوء رفتار با رضایتمندی زناشویی همبستگی منفی معنادار در سطح کمتر از $0/01$ و نیز بین راهبرد کلامی با رضایتمندی زناشویی همبستگی مثبت معنی‌دار در

سطح کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی منفی بین راهبرد غفلت با رضایتمندی زناشویی ($r = -0/62$) و کمترین میزان همبستگی منفی بین سوء رفتار با رضایتمندی زناشویی ($r = -0/28$) و کمترین میزان همبستگی مثبت بین راهبرد کلامی با رضایتمندی زناشویی ($r = 0/15$) وجود دارد؛ اما گذشت همسر در معنایی که پرسشنامه اشتراک به آن اشاره دارد با رضایت زناشویی رابطه‌ای ندارد؛ بنابراین، با افزایش راهبردهای منفی خود فرد یا همسر (غفلت، خروج و سوء رفتار) رضایتمندی زناشویی در آزمودنی‌ها کاهش می‌یابد؛ و با افزایش راهبرد مثبت کلامی همسران آزمودنی‌ها (که اغلب مرد بودند)، رضایتمندی زناشویی آنان افزایش می‌یابد.

جدول ۵. نتایج ضریب همبستگی برای رابطه راهبردهای حل تعارض زوجین (خودم و همسرم) با هوش معنوی

متغیرها	خودم	همسرم
کلامی	۰/۰۸	۰/۱۴*
غفلت	-۰/۳۷**	-۰/۳۰**
گذشت	۰/۱۷**	۰/۱۲*
خروج	-۰/۲۰**	-۰/۱۱*
سوء رفتار	-۰/۲۶**	-۰/۱۵*

** $P < 0/01$ * $P < 0/05$

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که در رابطه با راهبردهای تعارض خودآزمودنی‌ها بین راهبردهای غفلت، خروج و سوء رفتار با هوش معنوی؛ همبستگی منفی معنادار در سطح کمتر از ۰/۰۱ وجود داشت. در بین این سه مؤلفه، هوش معنوی بیشترین میزان همبستگی منفی بین راهبرد غفلت با هوش معنوی ($r = -0/37$) و کمترین میزان همبستگی منفی و معنی‌دار بین راهبرد خروج با هوش معنوی ($r = 0/20$) وجود داشت. تنها مؤلفه راهبرد کلامی با هوش معنوی

رابطه معنادار نداشت. همچنین بین راهبردهای خودآزمودنی، راهبرد گذشت با هوش معنوی همبستگی مثبت معنی دار ($r=0/17$) وجود دارد.

در رابطه با راهبردهای حل تعارض همسران آزمودنی‌ها بین راهبردهای غفلت، خروج و سوء رفتار با هوش معنوی همبستگی منفی معنادار، در سطح کمتر از $0/01$ وجود دارد. همچنین، بین راهبردهای کلامی و گذشت با هوش معنوی همبستگی مثبت معنی دار در سطح کمتر از $0/01$ وجود دارد. بیشترین میزان همبستگی منفی بین راهبرد غفلت با هوش معنوی ($r=-0/30$) و کمترین میزان همبستگی منفی بین راهبرد خروج با هوش معنوی ($r=-0/11$) وجود دارد. میزان همبستگی مثبت بین راهبرد کلامی با هوش معنوی ($r=0/15$) کمی بیشتر از همبستگی مثبت بین راهبرد غفلت با هوش معنوی ($r=0/12$) است؛ بنابراین، هوش معنوی با افزایش راهبردهای منفی (غفلت، خروج و سوء رفتار) در آزمودنی‌ها رابطه معکوس دارد. همچنین، افزایش راهبردهای کلامی و گذشت در همسران آزمودنی‌ها با هوش معنوی همبستگی مثبت و معنادار دارد.

در ادامه از تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش گام به گام برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی بر اساس راهبردهای حل تعارض در زوجین (خودم و همسر) و خرده مقیاس‌های هوش معنوی استفاده شد. خلاصه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری با استفاده از روش گام به گام در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج معناداری مدل رگرسیون برای پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی

گام	منبع تغییرات	مجموع مربعات	df	R	R2	F	P
گام پنجم غفلت خود، شکیبایی، خودآگاهی، کلامی همسر، خروج خود	رگرسیون	۱۴۷۳۴۶/۰۹	۵	۰/۷۳۴	۰/۵۳۸	۶۸/۱۱	۰/۰۰۱
	باقیمانده	۱۲۶۳۳۷/۴۶	۲۹۲				
	جمع	۲۷۳۶۸۳/۵۵	۲۹۷				

با توجه به اینکه R^2 ، درصد واریانس مشترک راهبردهای حل تعارض در زوجین (خودم و همسر) و خرده مقیاس‌های هوش معنوی در پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی است، نتایج جدول ۶ نشانگر آن است که در گام اول، خرده مقیاس غفلت خود به تنهایی ۳۸/۷ درصد از واریانس رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و در گام آخر (پنجم) خرده مقیاس‌های راهبرد غفلت خود، شکیبایی، خودآگاهی، راهبرد کلامی همسر و خروج خود مشترکاً ۵۳/۸ درصد از واریانس رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند با توجه به اینکه F محاسبه شده در گام پنجم در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است، لذا مدل رگرسیون خطی معنادار است.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل معنادار (جدول ضرایب رگرسیون)

گام	متغیر	B	خطای معیار	Beta	آماره t	سطح معناداری
گام پنجم	ثابت	۹۳/۳۸۸	۱۴/۷۹۸		۶/۳۱۱	۰/۰۰۱
	غفلت خود	-۸/۹۹۹	-۱/۱۰۵	-۰/۴۰۴	-۸/۱۴۵	۰/۰۰۱
	شکیبایی	۱۶/۷۳۵	۲/۸۵۷	۰/۲۷۰	۵/۸۵۸	۰/۰۰۱
	خودآگاهی	۱۳/۹۲۶	۴/۲۲۴	۰/۱۳۸	۳/۲۹۷	۰/۰۰۱
	کلامی همسر	۲/۹۳۵	۰/۸۸۰	۰/۱۳۵	۰/۳۳۷	۰/۰۰۱
	خروج خود	-۳/۳۳۶	۱/۰۱۰	-۰/۱۶۰	-۳/۳۰۲	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که در گام پنجم (گام آخر) خرده مقیاس‌های راهبرد غفلت خود (به صورتی منفی)، شکیبایی، خودآگاهی، راهبرد کلامی همسر و خروج خود (به صورتی

منفی) قادر به پیش بینی رضایتمندی زناشویی می‌باشند و آزمون t برای معناداری ضرایب رگرسیون در سطح ۰/۰۱ معنا دار است.

با توجه به اینکه بتا ضریب استاندارد شده رگرسیون است و تحت تأثیر پراکندگی نمرات قرار نمی‌گیرد، در گام پنجم مقایسه ضرایب بتا نشانگر آن است که ضریب استاندارد شده راهبرد غفلت خود (۰/۴۰۴-) بیشتر از ضرایب استاندارد شده شکیبایی (۰/۲۷۰+)، راهبرد خروج خود (۰/۱۶۰-)، خودآگاهی متعالی (۰/۱۳۸+) و راهبرد کلامی همسر (۰/۱۳۵+)، واریانس رضایتمندی زناشویی را تبیین می‌کنند. بدین ترتیب، راهبرد غفلت خود و خروج خود با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند. همچنین، خودآگاهی متعالی، شکیبایی و راهبرد کلامی با رابطه‌ای مثبت با رضایتمندی زناشویی رابطه دارند.

معادله رگرسیون برای پیش بینی رضایتمندی زناشویی با استفاده از ضرایب استاندارد شده رگرسیون عبارتست از:

$$\text{رضایت زناشویی} = ۰/۱۳۵ (Z \text{ کلامی}) + ۰/۱۳۸ (Z \text{ خودآگاهی}) + ۰/۲۷ (Z \text{ شکیبایی}) + ۰/۲۷ (Z \text{ خروج}) - ۰/۱۶ (Z \text{ غفلت}) - ۰/۴۰۴ (Z \text{ رضایت زناشویی})$$

نتیجه گیری

فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش عبارت بودند از: ۱- بین هوش معنوی و رضایتمندی زناشویی؛ ۲- بین راهبردهای حل تعارضات زوجین با رضایتمندی زناشویی و ۳- بین راهبردهای حل تعارضات و هوش معنوی زوجین رابطه وجود دارد و این سؤال که آیا مؤلفه‌های هوش معنوی و تعارضات زناشویی قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین می‌باشند؟

نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و رضایتمندی زناشویی رابطه‌ای معنی دار وجود دارد. در راستای این نتیجه زوهر و مارشال (۲۰۰۰) نشان دادند که افراد دارای هوش معنوی بالا، انعطاف‌پذیر هستند، درجه بالایی از هوشیاری نسبت به خویشان دارند، توانایی برای رویارویی

با مشکلات، دردها و چیره شدن بر آن‌ها را دارند و همچنین الهام از طریق ارزش‌ها و بصیرت‌ها، اجتناب از بد کردن به دیگران، تفکر وحدت‌گرا و جستجو برای پاسخ، را دارا می‌باشند.

خودآگاهی از ویژگی‌هایی است که باعث می‌شود که فرد نیازها و ارزش‌های خود را بشناسد و از نقاط قدرت و ضعف خود به‌خوبی آگاه شود و از آن طریق به درک نیازها و ارزش‌های شریک زندگی خود برسد و به تبع آن رضایتمندی بیشتری را تجربه کند. که این یافته‌ها با یافته‌های (بدیع، جلالی و عبودی، ۱۳۸۹) در خصوص داشتن رابطه مثبت خودآگاهی با هوش معنوی همخوانی دارد. مؤلفه شکیبایی بالاترین همبستگی را با رضایتمندی زناشویی دارد. این ویژگی است که توانایی فرد را برای رویارویی با مشکلات، دردها و چیره شدن بر آن‌ها بالا می‌برد و باعث انطباق‌پذیری فرد با مشکلات می‌شود. این نتایج با یافته‌های (امونز، ۲۰۰۲) در جهت ویژگی انطباق‌پذیری هوش معنوی همخوانی دارد.

همبستگی تجربه معنوی با رضایتمندی زناشویی می‌تواند بیانگر گرایش به دیدن پیوند بین چیزهای گوناگون و تفکر کل‌نگر باشد که با یافته‌های (امونز، ۲۰۰۰؛ سیسک، ۲۰۰۰؛ نوبل، ۲۰۰۱؛ امرم، ۲۰۰۷) مطابقت دارد. مؤلفه بخشش نیز با رضایتمندی زناشویی رابطه دارد این یافته نشانگر عدم تمایل به آزار و اذیت دیگران است که نشانه‌های یک هوش معنوی خوب رشد یافته می‌باشد (زوهر و مارشال، ۲۰۰۰). این یافته‌ها با یافته‌های (غلامی، ۱۳۸۸) که در تحقیقی آورده است هوش معنوی با رضایتمندی زناشویی رابطه دارد همخوانی دارد. این یافته‌ها این موضوع را تبیین می‌کند که خودآگاهی، شکیبایی و بخشش در افرادی با هوش معنوی بالا بیانگر وجود بهداشت روانی و شاید هوش هیجانی بالا باشد و لازم است در تدوین برنامه‌هایی برای سلامت روان و آموزش خانواده، این یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد.

فرضیه دوم این پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین راهبردهای حل تعارض زوجین با رضایتمندی زناشویی نیز با توجه به نتایج به دست آمده تأیید شد. راهبردهای غفلت، خروج و سوء رفتار، همبستگی منفی و کلامی، همبستگی مثبت با رضایتمندی زناشویی دارد. غفلت در

واقع حاکی از نادیده انگاشتن همسر و همکاری نکردن با او و پاسخگو نبودن است. این افراد سعی می‌کنند در روابط، طرف مقابل را نادیده بگیرند گاه کاملاً از گفتگو کناره‌گیری می‌کنند، نتیجه این رفتار این است که کیفیت ازدواج کاهش می‌یابد (استیور، ۲۰۰۵). استفاده از راهبرد خروج که حاکی از تفکر یا اقدام به خاتمه دادن رابطه می‌باشد یا رفتار منفی (سوء رفتار، خروج) منجر به دیدگاه منفی در کیفیت ازدواج می‌شود و این یافته با یافته‌های فینجام و برادبوری (۱۹۸۹) لویر و همکاران (۱۹۹۳) مبنی بر اینکه در بررسی زوج‌هایی که کیفیت ازدواج پایین‌تری را گزارش کردند، عقیده داشتند رفتار منفی (سوء رفتار، خروج) طرف مقابل کلی و ثابت و بخشی از ترکیب شخصیتشان است، مطابقت دارد.

این یافته‌ها می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که استفاده از راهبردهای منفی به علت وجود ویژگی‌های ناسالم شخصیتی است که زیربنای عدم سلامت روانی است. با آموزش مهارت‌های گفتگوی سازنده (برنده-برنده) در بهبود روابط زوجین می‌توان به موفقیت‌هایی رسید. استفاده از راهبردهای کلامی به زوجین کمک می‌کند موضع‌گیری مثبت داشته و با هم بر روی مسائل به توافق برسند. در پژوهشی که توسط هاشمی گلشن‌آبادی (۱۳۸۶) با عنوان رابطه بین راهبردهای حل تعارض با رضایت زناشویی صورت گرفت. نتایج نشان داد که راهبرد غفلت و خروج و بدرفتاری زنان و شوهران با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار دارد.

فرض دیگر تحقیق مبنی بر این بود که بین راهبردهای حل تعارض و هوش معنوی زوجین رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که بین راهبردهای (غفلت، خروج و سوء رفتار) رابطه منفی و راهبردهای (کلامی و گذشت) رابطه مثبت با هوش معنوی وجود دارد. این بدان معناست که استفاده از چنین راهبردهایی منفی حاکی از پایین بودن ویژگی‌های خودآگاهی و بخشش و شکیبایی از هوش معنوی است. هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره است (امونز، ۲۰۰۰)، بنابراین فردی با هوش معنوی بالا راهبردهای منفی حل تعارضات را کمتر به کار می‌برد. چنین فردی با داشتن این ویژگی‌ها به دنبال راه‌حلی منطقی‌تر می‌گردد تا بدون آسیب به خود و دیگری با استفاده از مهارت‌های

گفتگوی کلامی و گذشت به توافقی برسند که این با تحقیقات (امونز، ۱۹۹۹) مبنی بر اینکه رفتار انطباقی که از ویژگی‌های هوش معنوی است، احتمال به وجود آمدن اهداف رقابت طلبانه را که موجب ایجاد تعارض است به حداقل می‌رساند، مطابقت دارد.

در یافته‌های قبلی مشخص شده بود که استفاده از راهبردهای حل تعارض (خروج، غفلت و سوء رفتار) بیانگر ویژگی‌های شخصیت ناسالم است (فینجام و برادبوری ۱۹۸۹)؛ و استفاده از راهبردهای کلامی می‌تواند بر رضایتمندی زناشویی مؤثر باشد. لازم به ذکر است که با افزایش راهبرد مثبت کلامی همسران آزمودنی‌ها (که اغلب مرد بودند)، رضایتمندی زناشویی آنان افزایش می‌یابد. به عبارتی افزایش راهبرد مناسب کلامی در جامعه مورد بررسی برای مردان ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

در رابطه با سؤال سوم، نتایج نشان دادند مؤلفه غفلت با بار (۰/۴۰-) بیشترین تأثیر را بر رضایتمندی زناشویی دارد و پس از آن شکیبایی بار (۰/۲۷) در تبیین رضایتمندی زناشویی دارد و در نهایت خروج با (۰/۱۶۰-) و خودآگاهی با (۰/۱۳۸) و راهبردهای کلامی با (۰/۱۳۵) رضایتمندی زناشویی را تبیین می‌کنند.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت اگر بتوانیم بر روی مؤلفه‌های همچون عدم غفلت (توجه به نیازهای یگدیگر) و افزایش شکیبایی (بالا بردن توانایی مقاومت در برابر مشکلات، کنترل خشم، انعطاف‌پذیری) و عدم خروج (وظیفه‌شناسی، حل مسأله به جای ترک رابطه) و خودآگاهی (تفکر نقادانه، تصمیم‌گیری) و کلامی (مهارت‌های گفتگوی سازنده، ارتباط مؤثر) سرمایه‌گذاری کنیم، می‌توان به صورت معناداری رضایتمندی زناشویی را افزایش داد. در همین راستا دیباجی فروشانی، امامی‌پور و محمودی (۱۳۸۸) در بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایتمندی زناشویی زنان نشان دادند راهبردهای حل تعارض غفلت زن، کلامی شوهر و خاتمه دادن، به ترتیب پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی زناشویی بود. للوید (۱۹۸۷) نیز در مطالعه‌ای روی زوج‌ها، بیان می‌کند زوج‌هایی که عمدتاً سبک‌های

کلامی سازنده داشتند در روابطشان تعارض کمتری نشان داده، بیشتر راهبردهای حل تعارض مثبت را به کار برده و کیفیت ازدواج بالاتری داشتند.

هم‌چنین دیو (۲۰۰۸) در تحقیق خود نشان داده است که آموزش نحوه مذاکره در حل تعارضات می‌تواند رضایت زوج‌های جوان را تحت تأثیر قرار دهد و اولیاء، فاتحی زاده و بهرامی (۱۳۸۸) در تحقیقات خود بر آموزش مهارت‌های گفتگو و تأثیر آن بر رضایتمندی تأکید داشتند؛ می‌توانیم این‌گونه نتیجه بگیریم، که اگر تمهیداتی فراهم شود تا مشاوره‌های قبل از ازدواج (مانند مهارت‌های زندگی) به شکلی اجباری و کم‌هزینه درآید، فرهنگ‌سازی در سطح کلان و استفاده از آموزش‌های مهارت‌های کلامی گسترده‌تر انجام شود، به نتایجی مثبت دست خواهیم یافت (اخیراً چنین برنامه‌های در خانه‌های سلامت برگزار می‌شود) غیر از آن برای بالا بردن هوش معنوی نیز طبق تحقیقات رجایی، بیضایی و حبیبی پور (۱۳۸۷)؛ سانفورد^۱ (۲۰۱)؛ لدبتر^۲ (۲۰۰۹) و زارعی و احمدی سرخونی (۱۳۹۱) که نشان دادند که زندگی معنوی قادر به پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی می‌باشد. اقداماتی می‌توان انجام داد.

اصلی‌ترین مشکلات موجود بر سر راه این پژوهش فقدان منابع داخلی و پژوهش‌های مرتبط با موضوع هوش معنوی بوده است، لذا پژوهشگر زمان، هزینه و انرژی بسیاری صرف جستجوی اینترنتی و ترجمه مطالب نمود. همچنین جامعه آماری تحقیق حاضر را دانشجویان متأهل شهر تهران تشکیل می‌دهند، لذا تعمیم نتایج این پژوهش به جوامع دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. همانطور که گفته شد، موضوعات فرهنگی می‌توانند بر روی تعریف ابعاد و نحوه ابراز هوش معنوی تأثیرگذار باشند. کشور ایران به علت برخورداری از تنوعات قومی و فرهنگی زبانزد می‌باشند؛ بنابراین این انتظار می‌رود که پرسشنامه هوش معنوی برای گروهی از خرده‌فرهنگ‌های ایران مناسب نباشد.

1. Sanford
2. Ledbetter

سیاس و قدردانی

در پایان از تمامی دانشجویان مشارکت کننده در این تحقیق و جناب آقای دکتر ناصری به خاطر همکاری و در اختیار قرار دادن پرسشنامه هوش معنوی تشکر می‌شود.

منابع فارسی

- اولیاء، ن؛ فاتحی زاده، مریم و بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۸). آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی. تهران: نشر دانژه.
- بدیع، ع؛ جلالی، م و عبودی، س. (۱۳۸۹). تأثیر هوش معنوی بر رضایت زناشویی از میان جامعه کارکنان ادارات شهر اهواز. بازیابی شده از www.ravanzad.loxblog.com
- برک، لورا، ای. (۱۹۸۵). روانشناسی رشد (ی. سیدمحمدی، مترجم). تهران: ارسباران (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
- بک، آرون، تی. (بی‌تا). عشق هرگز کافی نیست. ترجمه قراچه‌داغی؛ مهدی. (۱۳۸۰). تهران: انتشارات پیکان.
- دیباجی فروشانی، ف. (۱۳۸۷). رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایتمندی زناشویی زنان متأهل شهر تهران. (پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران.
- دیباجی فروشانی، ف؛ امامی پور، سوزان و محمودی، غلامرضا. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایتمندی زناشویی زنان. فصلنامه اندیشه و رفتار، ۳، ۱۱: ۱-۱۰۱-۸۷.
- رجایی، ع؛ بیاضی، م و حبیبی پور، ح. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین باورهای اساسی دینی با بحران هویت و سلامت روان در جوانان. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۶: ۹۷-۱۰۷.
- زارعی سرخونی، اقبال و احمدی سرخونی، طاهره. (۱۳۹۱). نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۲ (۲): ۱۱۶-۱۱۰.

- غلامی، م. (۱۳۸۸). رابطه هوش معنوی با رضایت جنسی. خلاصه مقالات چهارمین کنگره خانواده و سلامت جنسی. تهران: نشر دانشگاه شاهد.
- سلیمانیان، ع. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. (پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- فاتحی زاده، م و احمدی، ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان. فصلنامه خانواده پژوهی، ۲: ۱۲۰-۱۰۹.
- فتحی آشتیانی، ع و احمدی، خ. (۱۳۸۳). بررسی ازدواج موفق و ناموفق در بین دانشجویان. دو ماهنامه دانشور، ۷، ۱۶-۹.
- ناصری، ا. (۱۳۸۸). هوش معنوی. (پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد)، دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران.
- نوابی نژاد، ش. (۱۳۷۷). مجموعه مقالات همایش اشتغال و ازدواج جوانان. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار.
- وست، ویلیام (۱۳۸۳). روان درمانی و معنویت. (ش. شهیدی، و س. شیرافکن، مترجم). (چاپ اول) تهران: انتشارات رشد.
- هاشمی گلشن آبادی، س. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر روش های حل تعارض بر رضایت زناشویی زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران. (پایان نامه چاپ نشده کارشناسی). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران

- Amram, Y. (2007). The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory. Paper presented at the 115th Annual (August 2007) Conference of the American Psychological Association, San Francisco, CA.
- Coming, S. M., & Watson Ann O, Reilly. (1997). Fathers in family context: effect of marital quality on child adjustment, (edited by Michael E. Lamb). New York: John Wiley and Sons.
- Emmons, R.A. (1999). The psychology of ultimate concern: Motivation and spirituality in personality. New York. The Guilford Press.
- Emmons, R.A. (2000a). Spirituality and intelligence: Problems and prospects. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 57-64.
- Fincham, F.D. & Bradbury, T.N. (1987). The assessment of marital quality: A reevaluation. *Journal of Marriage and the Family*, 49, 797-809.
- Gardner, H. (1999). Intelligence reframed: Multiple intelligences for the new millennium. New York: Basic Books.
- Gottman, J. M. (1998). Psychology and the study of marital processes. *Annual Review of Psychology*, 49, 149-167.
- Kelly, E.L. & Conely, J. (1987). Personality and compatibility: A perspective analysis of marital satisfaction. *Journal of personality and social psychology*, 52, 27-40.
- Ledbetter, M.A. (2009). Family communication patterns and relational maintenance behavior: Direct and mediated association with friendship closeness. *Human Communication Research*, 35(1), 130-147.
- Lussier, Y., Sabourin, S., & Wright, J. (1993). On causality, responsibility, and blame in marriage: Validity of the entailment model. *Journal of Family Psychology*, 7, 322-332.
- Noble K.D. (2001). Riding the wind horse: Spiritual intelligence and the growth of the self. New Jersey: Hampton Press.
- Sanford, K. (2010). Assessing conflict communication in couples comparing the validity of self-report, partner-report, and observer ratings, *Journal of Family Psychology*, 24(2), 165-174.
- Sisk, D.A. & Torrance, M. E.P. (2001). Spiritual intelligence: Developing higher consciousness. Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press.
- Sisk, D.A. (2002). Spiritual intelligence: The tenth intelligence that integrates all other intelligences. *Gifted Education International*, 16(3), 208-212.
- Steuber, K. R. (2005). Adult attachment, conflict style and relationship satisfaction: comprehensive model. (Unpublished master's thesis), Del aware university.
- Zohar, D. & Drake, J. (2000). On the whole. *People Management*, 6(8), and 55. Retrieved May 28, 2003, from Business Source Premier Database.
- Zohar, D. & Marshall, I. (2000). *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.